



گفتار دولت جوان انقلاب

انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰

جزوه آموزشی شماره ۱۱

انتخاب من: ایران قوی

ایده کلان اداره دولت

فهرست

- فصل اول : چرا پول ملی مان اینقدر آسیب پذیر است؟ ۴
- مقدمه : انتخاب هوشیارانه ۴
- معضل ارزش پول در ایران، مسئله‌ای ریشه دار در تاریخ معاصر ایران..... ۴
- طرح بحث ۴
- برشی سیاه از تاریخ!..... ۵
- نتیجه ۶
- ادامه و تشدید این رویه در زمان پهلوی؛ استعمار نو..... ۷
- سلطنت منحوس ۷
- نتیجه ۷
- اقتصاد ایران و بیماری هلندی ۸
- توضیح بیماری هلندی ۸
- وقوع این پدیده در اقتصاد ایران..... ۹
- اما پس از انقلاب اسلامی..... ۱۰
- جمهوری اسلامی در مسیر اصلاح ۱۰
- ۱ - علم و فناوری؛ مقدمه ی احیاء چرخ تولید ۱۱
- مقدمه ۱۱
- نمونه ای از تاثیر شگرف انقلاب علمی در شکوفایی صنعتی؛ دارالفنون آلمان ۱۱
- وضعیت علمی در دوران پهلوی ۱۳
- دستاوردهای علمی جمهوری اسلامی با نگاه به پیشرفت اقتصاد..... ۱۴
- تاثیر دستاوردهای علمی بر دستاوردهای اقتصادی ۱۵
- نقش چشمگیر پیشرفت های علمی ایران در مهار کرونا ۱۶
- حمایت همه جانبه نظام و رهبری از تولید داخلی..... ۱۸
- + برخی موانع موجود بر سر راه پیشرفت علمی کشور ۱۸
- ۲ - زیرساخت «حمل و نقل» ۱۹
- ۳ - زیرساخت «ارتباطات» ۲۰
- جمع بندی ۲۰
- پرانرژی مهم و قابل تفصیل که البته به اختصار بدان پرداخته می شود..... ۲۱
- حرکت در مسیری کوهستانی و سنگلاخ (توطئه ها)!..... ۲۲



- توطئه‌های تجزیه طلبانه علیه نظام جمهوری اسلامی ۲۳
- برخی توطئه‌های چهل ساله علیه نظام جمهوری اسلامی ۲۳
- توطئه‌های فرهنگی چهل ساله ۲۳
- توطئه‌های تفرقه افکنانه ی مذهبی علیه نظام اسلامی ۲۳
- سایر ۲۳
- امنیت ۲۳
- فصل دوم: راهکار برون رفت از وضع موجود؛ دو راهکار پیش رو ۲۴
- مقدمه و توضیح ۲۴
- ۱- تفکر «نگاه به بیرون» ۲۶
- درانتظار رفع تحریم ۲۶
- عاقبت لغو تحریم ها بدون تقویت تولید داخل ۲۷
- تمام سخن در نقد این نگاه ۲۷
- عربستان؛ اقتصادی نفتی، بدون تحریم و بدون تولید ۲۸
- مشکل این نگاه ۲۸
- مثالی دیگر؛ ترکیه ۲۹
- مثالی دیگر؛ شیلی ۲۹
- نتیجه ۳۰
- ۲- تفکر «نگاه به درون» ۳۱
- در مسیر رفع همیشگی تحریم ۳۱
- تجربه کره جنوبی ۳۱
- بومی سازی اقتصاد و رشد چشمگیر کره ۳۲
- تحریم های بی اثر ۳۲
- صیانت از بازار داخلی ۳۳
- پایان رشد کره و عقب گرد آن با ترور امریکایی! ۳۳
- تمام سخن در مورد این دیدگاه ۳۵
- ظرفیت های کشور برای رفع تحریم ها از راه بی ثمر ساختن آنها و حل ریشه ای مشکلات ۳۵
۱. نیروی انسانی مستعد و کارآمد ۳۶
- ۲- پیشرفت های علمی، صنعتی و تکنولوژیکی کشور ۳۶
۳. موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ویژه ۳۷
۴. دسترسی به بازارهای گسترده و متنوع ۳۷





- ۳۷..... ۵. دسترسی به منابع طبیعی استفاده نشده
- ۳۸..... ۶. بهره مند از منابع سرشار انرژی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل اول : چرا پول ملی مان اینقدر آسیب پذیر است؟^۱

مقدمه : انتخاب هوشیارانه

تجربه‌های تاریخی داخلی و بین‌المللی بسیاری وجود دارند که به طور واضح، نشانگر تأثیر مدیریت اجرایی بر تاریخ و سیر حرکت یک کشور در مسیر پیشرفت می‌باشد. گاهی پیش آمده که یک جریان فکری در یک کشور، کار اجرایی آن کشور را به دست گرفته و نتیجه آن، به ورشکستگی اقتصاد و کودتای نظامی و غارت و استعمار و هرج و مرج رسیده است. گاهی نیز جریانی بر سر کار آمده که مسیری تماما پیشرفت و خودکفا، و اقتصادی مستقل و قوی را پی ریزی و دنبال نموده است. صحنه‌های جهانی و ملی، هر دو رویه را به خود دیده است و از این جهت، تجربه‌های واضح و شفاف را پیش روی ما قرار می‌دهد. ابتدا از خودمان شروع می‌کنیم:

معضل ارزش پول در ایران، مسئله‌ای ریشه دار در تاریخ معاصر ایران

طرح بحث

مشکلات متعدد کنونی کشور از جمله: تورم، بیکاری، گرانی، فقر، کاهش ارزش پول و... که در سال‌های اخیر به واسطه تحریم شاهد آن بوده ایم، علائمی از بیماری مزمن «خام فروشی» و «ضعف تولید» است که از سالیان دراز، اقتصاد کشور به آن مبتلا بوده است. با مطالعه تاریخ درمی یابیم که مسئله کاهش ارزش پول ملی از گذشته دور در کشور ما وجود داشته است. برای مثال در دوران قاجار، افزایش

^۱ این جزوه برگرفته از کتاب «انتخابات؛ تکرار یا تغییر» نوشته آقایان راجی و خاتمی و فوجی است.

واردات کالای خارجی و در کنار آن بی توجهی به مسئله تولید، منجر به کاهش ۵۰ برابری ارزش پول ایران در برابر پوند انگلیس شد!

برشی سیاه از تاریخ!

موج انقلاب صنعتی دوم که به پیشرفت تکنولوژیک در صنایع اروپا انجامید، در ایران با حکومت سلسله قاجار مصادف بود. موج صنعتی شدن اروپا که منجر به افزایش تولیدات صنعتی شد، در ایران قاجار، ورود و بروزی نداشت و چرخه تولید در ایران به مرور از توان رقابت با صنعت اروپا، که منجر به تولید انبوه و ارزان می شد، باز می ماند. اگرچه در این برهه از تاریخ، صنایع تولیدی ایران از جمله صنعت نساجی از نظر کیفیت محصولات در سطح بالاتری نسبت به محصولات خارجی قرار داشتند، اما واردات اجناس ارزان قیمت صنعتی، هرچند با کیفیت پایین تر، به عنوان خطری جدی برای آینده تولید داخل به حساب می آمد. در این بین، عامل مهمی که از صنعت داخلی در برابر هجوم واردات حفاظت کرده، به آن فرصت پیشرفت و کسب توان رقابت می داد، تعرفه های وضع شده بر اجناس خارجی بود. اما پس از تحمیل و انعقاد عهدنامه های گلستان و ترکمانچای با روسیه و عهدنامه تجاری با انگلیس، تعرفه های گمرکی ایران با اجبار خارجی به زیر ۵ درصد کاهش یافت. پس از آن و به مرور، کشورهای دیگر نیز خواستار همین میزان تعرفه برای صادرات کالاهای خود به ایران شدند. لذا در زمان اندکی، بازار کشور به تصرف خارجی ها درآمد و توازن تجاری ایران و بیگانگان به هم خورد؛ سیل کالاهای خارجی روانه ایران شد و صنایع داخلی ما را فلج کرد.^۱

چارلز عیسوی، پژوهشگر سرشناس مصری، در زمینه تاریخ اقتصادی خاورمیانه می گوید: «منسوجات که از اقلام مهم صادراتی ایران بود، یکی از اقلام وارداتی شد!» وی هم چنین با نقل قول از سفیر انگلیس می افزاید: «کالاهای تولیدی انگلیس، به شدت جای کالاهای پنبه ای و ابریشمی ایران را گرفته است.»

بر اساس گزارش چارلز عیسوی در سال ۱۸۴۹ میلادی تجار تبریز به شاهزاده تظلم کرده بودند که واردات کالاهای اروپایی را تحریم کند، چراکه ورود بی رویه و مداوم کالاهای خارجی موجب از بین رفتن بسیاری از صنایع محلی و زیان و کاهش کالاهای تولیدی ایران شده است. اما در قبال این تظلم خواهی هیچ جوابی از طرف دولت داده نشد. در

^۱ فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، انتشارات خوارزمی، چاپ هفتم، ۱۳۶۲، ص ۴۰۲ و ۴۰۳

دوران محمد شاه قاجار، فلاندن، فرستاده کشور فرانسه، در گزارشی از سفر خود به ایران نوشت:

"واردات محصولات انگلیسی که پیوسته از سی سال پیش در ایران رو به افزایش گذاشته، روز به روز از تعداد کارخانه های کاشان می کاهد و با اینکه هنوز کارخانه هایش دایر است، ولی انسان از تماشای قسمت های عمده آن ها که بایر و بیکار افتاده، به سختی حسرت می خورد".^۱

در این دوره امتیازات بانک شاهنشاهی، بانک استقراضی، تلگراف هند و اروپا، کشتیرانی در کارون، تأسیس قزاق خانه، شیلات خزر، انحصار دخانیات و ... عمدتاً به روس و انگلیس واگذار شد و ایران را تا مرز استعمار کامل پیش برد. خیزش علما نیز علیه امتیازات استعماری مانند فتوای حرمت استعمال توتون و تنباکو که امتیاز آن به انگلیس واگذار شده بود و تلاش های صدراعظم مصلح ایران (امیرکبیر)، در همین راستای مبارزه با استعمارزدگی بوده است.

نتیجه

به هر حال، علاوه بر ضعف های ساختاری، منابع مالی واردات نیز از طریق خروج نقدینگی و مسکوکات طلا، نقره و جواهرات تأمین می شد که خود ضربه دیگری بر ارزش پول ملی و عاملی برای کاهش آن بود.

رفته رفته با کاهش شدید این ذخایر، کشور تا آستانه ورشکستگی پیش رفت. به طور طبیعی کاهش قدرت تولید، افت شدید ارزش پول ایران را نیز در پی داشت (چگونگی ارتباط تولید و ارزش پول، در "بیماری هلندی" خواهد آمد). **تومان ایران که در زمان شاه طهماسب صفوی ۱۰ برابر پوند انگلیس بود، در زمان فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار، ۲ برابر پوند شد و اواخر دوره قاجار، یعنی زمان مظفرالدین شاه، هر تومان، یک پنجم پوند بود!**^۲

۱ اوژن فلاندن، سفرنامه ی اوژن فلاندن به ایران، ترجمه: حسین پورصادقی، تهران، اشراقی، ۱۳۵۶، ص ۱۲۵.

۲ سیدیاسر جبرائیلی، دولت و بازار: الگویی پویا برای روابط متقابل، کتاب فردا، ۱۳۹۹، ص ۱۹۱.

ادامه و تشدید این رویه در زمان پهلوی؛ استعمار نو

سلطنت منحوس

همین روند در زمان پهلوی نیز به شکل دیگری ادامه یافت. استعمار نو در دوره پهلوی، خزائن نفتی ایران را به جای مسکوکات و جواهرات نشانه گرفت و در نتیجه‌ی تحمیل قواعد تجارت آزاد بر اقتصاد ایران، زیرساخت‌های تولیدی کشور نه تنها تقویت نشد بلکه زیرساخت‌های موجود نیز ویران گشت.

خصوصیات عمده‌ی صنایع در این دوره (که برپایه‌ی مونتاژ محصولات خارجی بودند)، مصرفی بودن و وابستگی آنها از نظر ۱- فناوری، ۲- مواد اولیه، ۳- ماشین آلات و ۴- نیروی انسانی متخصص بود؛ به طوری که به حرکت درآمدن چرخ صنایع وابسته، نیاز کشور به واردات ملزومات صنعتی چهارگانه ذکر شده را تشدید کرد و بدین ترتیب، صنایع وابسته نه تنها کمکی به خودکفایی کشور نکرد، بلکه خود، پیش‌آهنگ وابستگی اقتصادی در ایران شد و سود فراوانی را به کشورهای خارجی رساند.

نتیجه

اصلی‌ترین نتیجه‌ی حمایت رژیم پهلوی از صنایع وابسته، زوال تدریجی صنایع داخلی بود. از سوی دیگر، آشکارترین ضعف صنعت ایران، "وابستگی به نفت و عدم افزایش صادرات صنعتی (غیرنفتی)" بود. اهمیت صادرات صنعتی در این است که می‌تواند در مقابله با نیازمندی‌های ارزی در دوران کاهش درآمد نفتی مؤثر باشد. در سال‌های آغازین دهه ۵۰، قیمت هر بشکه نفت ایران در بازارهای بین‌المللی با جهشی بی‌سابقه روبرو شد. از این دوران به بعد، فروش نفت به طور متوسط تأمین بیش از ۵۴ درصد مخارج کشور را به خود اختصاص داد که سبب وابستگی اقتصاد کشور به ارز خارجی و واردات کالاهای خارجی گردید و باعث بروز "بیماری هلندی" گشت.

اقتصاد ایران و بیماری هلندی

توضیح بیماری هلندی^۱

بیماری هلندی^۲، حاصلِ درمانِ غیراصولی و ناصحیح یک معضل می باشد.

معضل: گاهی درآمد یک کشور بر اثر عواملی موقت و فصلی، به صورت ناگهانی افزایش می یابد و متولیان اقتصاد کلان (دولت) هم با تصور دائمی بودن این درآمد، آن را در جامعه تزریق می کنند. درآمد کشور، زیاد شده و پول هم به جامعه منتقل می شود. اما با افزایش درآمد، تقاضا نیز افزایش پیدا می کند. اگر این افزایش تقاضا به صورت ناگهانی انجام شود، صحنه‌ی عرضه‌ی کالا، جوابگوی تقاضای بوجود آمده نخواهد بود و تعادل عرضه و تقاضا به هم می خورد، و در نتیجه با معضل افزایش قیمت‌ها مواجه می شویم.

درمان اصولی این معضل: در یک روند طبیعی و صحیح، قیمت‌ها تا سقفی بالا می روند، لکن با یک تأخیر زمانی، تولید افزایش پیدا کرده و در نهایت، پس از مدتی عرضه و تقاضا به تعادل قبل بر می گردند.

درمان غلط این معضل که سبب پیدایش بیماری هلندی می گردد: اما بیماری هلندی از زمانی رخ می دهد که این روند طبیعی (افزایش تولید، متناسب با افزایش تقاضا) رخ نداده و به جای آن، دولت به عنوان متولی اقتصاد کلان، وارد کارزار شده و سعی می کند به طور مصنوعی و از طریق غیر از افزایش تولید، قیمت‌ها را پایین نگه دارد. دولت، متوسل به واردات کالاهای مصرفی ارزان می شود تا قیمت‌ها را مهار کند، در حالی که صنایع داخلی مجبورند با عوامل تولید گران، کالای گران را تولید کنند و به قیمت ارزان بفروشند. عوارض این مشکل به همین جا ختم نمی شود؛ به محض این که فصل افزایش درآمد خاتمه پیدا کند (مثلا نفت، به عنوان یک منبع عمده در تامین سرمایه‌ی ملی، تحریم شود یا قیمت آن کاهش یابد) و دولت، پولی نداشته باشد تا با آن واردات ارزان را جهت تعدیل عرضه و تقاضا انجام دهد، در نتیجه، در بخش‌هایی که تا آن زمان به صورت مصنوعی (با دخالت دولت و از راهی غیر از افزایش تولید) قیمت پایینی داشتند، افزایش قیمت با سرعتی فزاینده رخ خواهد داد! از آن جا که صنایع داخلی هم در

^۱ Dutch disease.

^۲ اصطلاح "بیماری هلندی" در سال ۱۹۷۷ توسط مجله‌ی اکونومیست برای توصیف رکود بخش صنعتی در هلند بعد از کشف گاز طبیعی در دهه‌ی ۱۹۶۰ به کارگرفته شد.

اثر همان سیاست‌های گذشته فلج شده‌اند، قادر به پاسخگویی به تقاضاهای جدید نبوده و اقتصاد را در ابتدا ناکارآمد و سپس فلج میکند.

وقوع این پدیده در اقتصاد ایران

بیماری هلندی اقتصاد ایران از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ یک عارضه در اقتصاد کلان کشور بود که در میانه‌ی دهه ۵۰ شمسی و در پی افزایش قیمت جهانی نفت در بازه‌ی جنگ اعراب و اسرائیل و نیز رشد چشمگیر درآمدهای نفتی دولت به وقوع پیوست. در طول این سال‌ها، درآمدهای هنگفت نفتی باعث رشد نقدینگی و پایه پولی کشور شده و بر میزان تقاضای انواع کالاها افزود. در پی افزایش تقاضا، رژیم پهلوی اقدام به آزادسازی تجارت و واردات انبوه کالاهای خارجی کرد. در نتیجه‌ی اعمال تعرفه‌های گمرکی پایین، کالاهای خارجی به وفور و با قیمت بسیار نازل در بازار یافت می‌شد (ارزانی دوران شاه که مقدمه یک فاجعه اقتصادی بود!). این سیاست اقتصادی نامناسب، نتیجه‌ی جز تضعیف تولیدات داخلی و وابستگی اقتصاد کشور به قدرت‌های خارجی صنعتی و تأمین بازار برای آنان نداشت.

بدین ترتیب، تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور علاوه بر این که به مصرف‌گرایی جامعه انجامید، منجر به وابسته‌سازی ثبات اقتصادی کشور به ذخایر ارزی شد؛ به طوری که کاهش قیمت نفت خام، نرخ تورم را تا ۴۰ درصد بالا برده و به تشدید اختلافات طبقاتی دامن زد. این در حالی بود که بر اساس آمار بانک جهانی ۴۶ درصد مردم ایران در سال ۱۳۵۶ زیر خط فقر بودند^۱ و ۴۴ درصد مردم از سوء تغذیه رنج می‌بردند.^۲ طبق آمار سازمان برنامه و بودجه‌ی رژیم پهلوی، شاخص هزینه زندگی (CPI)^۳ از عدد ۱۰۰ در سال ۱۳۴۹ به عدد ۱۲۶ در سال ۱۳۵۳، ۱۶۰ در سال ۱۳۵۴ و نهایتاً ۱۹۰ در سال ۱۳۵۵ رسید (هرچه شاخص بالا برود معنایش افزایش هزینه‌های اصلی زندگی است). این افزایش به خصوص برای هزینه‌ی خوراک و مسکن در شهرها بیشتر بود. به گزارش نشریه اکونومیست، در سال ۱۳۵۵، هزینه اجاره مسکن برای یک خانوار

^۱ http://siteresources.worldbank.org/INTDECINEQ/Resources/1149208-1147789289867/IIWB_Conference_Revolutio%20Redistribution_Iran.pdf.

^۲ Homa Katouzian, *The Political Economy of Modern Iran: Despotism and Pseudo-Modernism* ۱۹۲۶-۱۹۷۹, Palgrave Macmillan UK, ۱۹۸۱, p. ۲۷۰.

^۳ Consumer Price Index.

طبقه متوسط، طی ۵ سال ۳۰۰٪ افزایش داشت و هزینه مسکن، تا ۵۰ درصد درآمد سالانه ی آن خانوار را در بر می گرفت.^۱

آنچه میتوان از آن به عنوان جمع بندی رفتار اقتصادی حکومت پهلوی یاد کرد، "قرار گرفتن توزیع به جاي تولید، به عنوان قطب توسعه" در ایران است! یعنی درآمد حاصل از افزایش قیمت نفت و دلارهای نفتی، بجای سرمایه گذاری در امر تولید، به وارد کردن کالاهای متنوع خارجی و صنایع مصرفی مانند صنعت خودرو و مونتاژ آن اختصاص پیدا کرد و نتیجه آن شکل گیری فرهنگ خطرناک مصرف گرایی و پایه گذاری بیمارگونه و بی قاعده اقتصاد در ایران شد.

اما پس از انقلاب اسلامی

جمهوری اسلامی در مسیر اصلاح

پس از انقلاب اسلامی ایران، که استقلال اقتصادی از آرمان های آن به شمار می رود، تلاش های زیادی در راستای برطرف کردن عیوب اقتصادی کشور انجام شد؛ از جمله این که به عنصر "تولید صادرات محور" به عنوان عامل مهم در رشد اقتصاد کشور توجه گردید تا از این طریق، میزان وابستگی اقتصاد کشور به فروش نفت نیز کاهش یابد. اگرچه در این بین و در برهه های مختلف، از جمله دوران جنگ تحمیلی و پس از آن، این روند با فراز و فرودهایی همراه بوده است، اما در نگاه کلی شاهد افزایش سهم تولیدات صنعتی از صادرات کشور، از ۲۹٪ در صد به بیش از ۱۹ درصد و هم چنین کاهش سهم نفت از صادرات کشور از ۹۹ درصد به ۷۰ درصد بودیم.^۲ یکی از نکات مهم در روند تقویت رشد اقتصادی و به خصوص تولید در دوران جمهوری اسلامی، توجه به عناصر زیرساختی رشد اقتصادی است. لازمه ی رشد پایدار تولید و اقتصاد در هر کشوری، تأمین پیش نیازها و زیرساخت از جمله «علم و فناوری»، «حمل و نقل» و «ارتباطات» است که پس از انقلاب اسلامی سرمایه گذاری مهمی در این زمینه صورت گرفت و به این روند منطقی توجه شد:

^۱ Ervand Abrahamian, Iran between two revolutions, US: Princeton University Press, ۱۹۸۲, p. ۴۲۷.

^۲ <https://data.worldbank.org/indicator/TX.VAL.FUEL.ZS.UN?locations=IR>

۱- علم و فناوری؛ مقدمه‌ی احیاء چرخ تولید

مقدمه

اهمیت رشد دانش به عنوان زیرساخت اصلی پیشرفت کشور غیر قابل انکار است. علم و دانش و تربیت نیروی انسانی متخصص و دانشمند است که می‌تواند ایجاد و تأمین صنایع و زیرساخت‌ها را تضمین کند و پس از آن کشور را به ایجاد صنایع مصرفی خودکفا و قابل رقابت با دیگر کشورها هدایت کند.

رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته به واسطه‌ی "علم"؛ انقلاب علمی، مقدمه‌ی انقلاب صنعتی؛ در قرن هجدهم میلادی و با آغاز انقلاب صنعتی که ثمره انقلاب علمی بود، کشورهای اروپای غربی و آمریکا در افزایش "تولید ناخالص داخلی"، رشد چشمگیری یافتند. نکته‌ی قابل توجه در این مسئله، پیشی گرفتن ایالات متحده آمریکا از کشورهای اروپای غربی در آغاز قرن بیستم میلادی است. جهان غرب با استفاده از ابزار «دانش» توانست کشورهای متعددی را در دنیا، تحت استعمار خود قرار دهد و منابع طبیعی دنیا را غارت کند. اما این غارت کشورهای دنیا به دست کشورهای توسعه یافته، پس از دوره‌ی استعمار آنها نیز به دلیل استیلا علمی آنها، ادامه یافت و تحت سیاست‌های نو و فرانو، کشورهای توسعه یافته توانستند ثروت خود را تا هشتاد برابر ثروت کشورهای در حال توسعه افزایش دهند؛ در حالی که در طول دوره‌ی استعمار و در دهه ۱۹۶۰ میلادی، ثروت این کشورها ۳۵ برابر ثروت کشورهای در حال توسعه بود!^۱

نمونه‌ای از تاثیر شگرف انقلاب علمی در شکوفایی صنعتی؛ دارالفنون

آلمان

کشور آلمان تا نیمه‌های قرن هجدهم میلادی فقط تعداد کمی از کالاهای تولیدی مانند لباس‌های پشمی و نخی را صادر می‌کرد و بیشتر صادرکننده مواد خام بود. یکی از چهره‌های تأثیرگذار در دوران پیشرفت آلمان «پتریووت»^۲ بود. بیووت در سال ۱۸۱۶ رئیس دپارتمان صنعت و تجارت در وزارت اقتصاد آلمان شد. او در سال ۱۸۲۰ مؤسسه‌ای جهت مهارت‌آموزی و آموزش کارگران برای تربیت کارگران ماهر تأسیس کرد.^۳ علاوه بر

۱۱. بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷، ۱۱، ۲۲. (<https://farsi.khamenei.ir/gaam2>)

^۲ Peter Beuth.

^۳ Gewerbeinstitut.

این، سفرهای خارجی را نیز برای کارگران به جهت به دست آوردن اطلاعات و جزئیات فناوری های جدید، برنامه ریزی می کرد. هم چنین در این دوران، آلمانی ها با جمع آوری دستگاه ها و ماشین آلات خارجی و کپی برداری از آنها، کالاهای مشابه خارجی را تولید می کردند.^۱ از جمله آثار و نتایج مؤسسه آموزشی بیوٹ، تربیت شاگردانی بود که در آینده چرخ صنعت آلمان را به گردش درآوردند. «آگوست بورزیگ» یکی از این افراد بود که صنعت لوکوموتیوسازی آلمان را به وجود آورد. در سال ۱۸۴۱ وقتی وی کارخانه لوکوموتیوسازی را تاسیس کرد، همه بیست لوکوموتیو فعال در آلمان وارداتی بود؛ اما با پیشرفت در این صنعت، در سال ۱۸۵۴ دیگر هیچ لوکوموتیوی وارد نشد و ۶۷ عدد از ۶۹ لوکوموتیو مورد استفاده در آلمان از شرکت بورزیگ خریداری شده بود. علاوه بر آن، آلمان موفق شد شش عدد لوکوموتیو به لهستان و چهار عدد لوکوموتیو نیز به دانمارک صادر کند.^۲ ذکر این نکته نیز لازم است که گسترش راه آهن، یکی از اصلی ترین عوامل انقلاب صنعتی در آلمان بود. تأثیر حرکت علمی و صنعتی بیوٹ به قدری بود که جهش بزرگی در هر دو حوزه برای آلمان رقم زد. کشور آلمان توانست صنعت خود را که در حد سرقت علمی و کپی کاری بود و فاصله ای پنجاه ساله با انگلیس داشت، در طی بیست سال با اقدامات بیوٹ جبران کند. جایگاه علمی این کشور نیز به قدری ارتقا یافت که در طی سال های ۱۸۲۰ تا ۱۹۲۰ میلادی حدود ۹ هزار دانشجوی امریکایی برای تحصیل به آلمان رفته بودند!^۳

تذکری مهم

مرور تجربیات کشورهای موفق جهان در عرصه رشد و جبران عقب ماندگی صنعتی، درک دقت راهبردهای مقام معظم رهبری را برای ما آسان تر می کند. ایشان در این باره می فرمایند: «آن چیزهایی که ما برای چشم انداز آینده در نظر گرفته ایم خیالات نیست؛ واقعیات است. بنده سه- چهار سال قبل از این، به جوان های دانشجو و اهل علم گفتم که شما باید کاری کنید که پنجاه سال بعد، اگر کسی خواست به تازه های علمی آن روز دست پیدا کند، مجبور بشود بیاید زبان فارسی یاد بگیرد؛ این می

^۱ Charles P. Kindleberger, *Manias, Panics and Crashes: A History of Financial Crises*, Palgrave Macmillan, UK, ۱۹۷۸, pp. ۲۶۰-۲۶۱.

^۲ Charles P. Kindleberger, *World Economic Primacy: ۱۵۰۰-۱۹۹۰*, Oxford University Press, USA, ۱۹۹۶, p. ۱۵۳.

^۳ Ha-Joon Chang *Kicking away the ladder: Development Strategy in Historical Perspective*, Anthem Press, UK, ۲۰۰۲, p. ۳۴.

شود. این ممکن است کما اینکه در این ده - پانزده سال، حرکت علمی و پیشرفت علمی همانی که گفته بودیم شد. وقتی جوان ها همت کنند. وقتی صاحبان همت و اراده همت کنند، همه کارهای دشوار آسان خواهد شد؛ ما می توانیم پیش برویم.» (بیانات رهبر معظم انقلاب به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، ۱۳۹۵/۰۱/۱۱)

البته بسیار واضح است که جمهوری اسلامی، نه تنها تلاش برای دست یابی به علم را مانند غرب، برای چپاول دنیا نمی خواهد، بلکه بارها و بارها نشان داده که از علم خود برای کمک به دیگران استفاده می کند. برای نمونه، می توان به خاموش کردن چاه های نفت کویت در حمله عراق اشاره کرد. این حمله در اواخر فوریه سال ۱۹۹۱ میلادی رخ داد و متخصصان ایرانی به کمک مردم کویت شتافتند.

وضعیت علمی در دوران پهلوی

قبل از ورود به دستاوردهای علمی صورت گرفته در طول انقلاب اسلامی، باید این نکته را متذکر شد که علاوه بر وضعیت نامساعد اقتصادی ایران (که توضیح آن گذشت)، مسئله ی علم و دانش فناورانه نیز روندی وارونه داشت. به طوری که فقدان رشد علم و دانش فنی بومی و هم چنین عدم رشد زیرساخت ها اقتصاد ایران را تماما "واردات محور" کرده بود و در نهایت، عدم ارتباط و اتصال بین صنایع تولیدکننده ی کالاهای مصرفی و صنایع زیرساختی و دانشگاه، موجب وابستگی دائم صنعت کشور و عقب ماندگی آن نسبت به رقبای دیگر شد که آثار آن تاکنون نیز در برخی صنایع مانند خودروسازی مشهود است.

محمد رضا پهلوی در کتاب پاسخ به تاریخ می نویسد:

به کمبود تجهیزات و مواد خام و وسایل ارتباطی، کمبود تکنسین هم اضافه شده بود. ما بیش از یک میلیون خارجی را به خدمت گرفته بودیم. قبلا به بی توجهی ای که به پرورش مهندسان و سرپرستان و مجریان و کارگران ماهر شده بود اشاره کردم، ولی تعداد آنها باز هم کفایت نمی کرد و سرانجام واردات به رغم همه چیز، بی اندازه زیاد شد و سیری تورمی را موجب گردید که می خواستم به هر قیمتی شده آن را مهار کنم...

(محمد رضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ترجمه ی حسین ابوترابیان، چاپ اول، ۱۳۷۱،

ص ۲۶۶)

نتیجه

حاصل آن که کشوری که یک درصد جمعیت کل دنیا را داراست، به طور منطقی باید ۱ درصد از مقالات دنیا را تولید کند؛ در حالی که در سال ۱۹۷۹ میلادی (۱۳۵۷ش) سهم ایران از تولید علم دنیا، حدود ۰/۱ درصد بوده است! اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا اواسط دهه ۷۰ شمسی، توقف در مرحله آموزش محوری به پایان رسید و رستخیز علمی کشور در پژوهش و تولید علم آغاز شد؛ جمهوری اسلامی ایران در تمامی رشته های علمی، رشد خیره کننده ای داشته است که در ادامه، رشد علمی ایران در رشته های مختلف بررسی می شود:

دستاوردهای علمی جمهوری اسلامی با نگاه به پیشرفت اقتصاد

۱- بالاترین نرخ سرعت رشد در زمینه ی تولیدات علمی در سال ۲۰۱۰ (۱۱ برابر میانگین دنیا)

موتور پیشران حرکت علمی کشور در دودهه ی گذشته، با محوریت قراردادن پژوهش، با سرعت بسیار بالایی به حرکت در آمده است. و به اذعان پایگاه های علمی معتبر بین المللی، در سال ۲۰۱۰ رشد علمی ایران بالاتر از همه کشورها بوده است. بنا بر گزارش پایگاه علمی «نیوساینتیست»، ایران در سال ۲۰۱۰ میلادی، بیشترین سرعت رشد را در زمینه تولیدات علمی در میان تمامی کشورهای دنیا از آن خود کرد. طبق این گزارش، براساس اطلاعات پایگاه علمی «کلاریویت آنالیتیکس» یا ISI، سرعت رشد علمی ایران، ۱۱ برابر متوسط جهانی بوده است.^۱ سهم ایران از تولید علم دنیا نیز از ۰/۰۷ درصد در سال ۱۹۹۶ به ۲ درصد در سال ۲۰۱۹ رسیده است؛ یعنی اکنون سهم ما از تولید علم دنیا نزدیک به دو برابر سهم ما از جمعیت دنیا است!

۲- ارتقای ۳۷ پله ای ایران در ۲۰ سال اخیر در تولید علم

براساس نتایجی که پایگاه استنادی اسکوپوس (Scopus) منتشر کرده است، تعداد مدارک علمی ثبت شده از جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۶ میلادی ۸۵۰ مورد بوده و رتبه ۵۴ جهان را کسب کرده است. این رقم در سال ۲۰۱۹ میلادی به ۶۴۷۴۴ مورد

^۱ متن کامل این گزارش در نشانی زیر قابل دسترسی است:

افزایش یافته است. با این پیشرفت، رتبه ایران در تولیدات علمی جهان، از پنجاه و سوم به پانزدهم ارتقا پیدا کرده است.^۱

۳- رتبه ی چهارم در تولید علمی نانو

در علوم نانو، رتبه ایران از رتبه ۵۹ در سال ۱۹۹۶ به رتبه ۱۶ در جهان در سال ۲۰۱۹ ارتقا پیدا کرده است. و بر اساس داده های پایگاه استنادی ISI، ایران در رتبه چهارم تولید علم نانو در دنیا قرار دارد.

سایر موارد به صورت گذرا

در علوم داروسازی، رتبه ایران از رتبه ۴۹ در سال ۱۹۹۶ به رتبه ۸ در جهان در سال ۲۰۱۹، در علوم هسته ای از رتبه ۸۶ به رتبه ۱۲، در علوم هوافضا از رتبه ۴۶ به رتبه ۱۲، در علوم فیزیک از رتبه ۵۶ به رتبه ۱۴، در علوم ریاضی از رتبه ۴۷ به رتبه ۱۲، در علوم پلیمر از رتبه ۴۴ به رتبه ۴، در علوم مهندسی شیمی از ۴۴ به ۱۱، در علوم کامپیوتری از رتبه ۴۷ به رتبه ۱۷، در علوم کشاورزی از رتبه ۶۵ به رتبه ۱۵ در جهان و در علوم بیوشیمی از رتبه ۵۲ به رتبه ۱۵ ارتقا پیدا کرده است.

همچنین جمهوری اسلامی موفق شده است، رتبه ی دوم پژوهش در زمینه ی سلولهای بنیادی را پس از آمریکا از آن خود کند. (این آمارها از سایت SCImago اخذ شده‌اند)

افزایش کیفیت مقالات علمی ایرانیان همزمان با افزایش کمیت

در آمار مربوط به مقالات پرارجاع و داغ که شاخص نشان دهنده ی کیفی ترین مقالات دنیاست، رتبه ی ایران از ۳۸ در سال ۲۰۱۱ به رتبه ی ۱۷ در سال ۲۰۱۹ رسیده است. که نشان دهنده ی رشد کیفی مقالات ما در فهرست مقالات پر استناد دنیاست.

(منبع: ISI)

تاثیر دستاوردهای علمی بر دستاوردهای اقتصادی

شرکتهای دانش بنیان: فلسفه وجودی این شرکت ها در وهله نخست، جاری سازی تولیدات علمی در زمینه فناوری های راهبردی و در گام بعدی، ارائه آن در بازارهای هدف است. وجود ۴۵۰۰ شرکت دانش بنیان، نشانه موفق بودن این الگوست. کسب وکارهای نو یا استارتاپ ها، شرکت های کوچک یا نوپایی هستند که با هدف کارآفرینی

^۱ منبع: پایگاه استنادی اسکوپوس (Scopus)

به تولید محصولات یا خدمات مشغولند. در حال حاضر، بیش از ۶۰۰۰ استارت‌آپ در کشور مشغول کار هستند.

براساس اطلاعات احصا شده و اعلام معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۷، نزدیک به ۵۰۰ میلیون دلار صادرات محصولات با تکنولوژی بالا (High tech) از طریق شرکت های دانش بنیان صورت گرفته است و این شرکت ها در سال ۱۳۹۸ حداقل ۱۲۰ هزار میلیارد تومان فروش داشته اند؛ ۴۱ شرکت دانش بنیان در تابلوی بورس موجود است که حدود ۲۸۰ هزار میلیارد تومان ارزش دارند.

بنا بر گزارش «مروری بر اثربخشی خدمات صندوق نوآوری و شکوفایی»، به واسطه حمایت های این صندوق از آذر ۱۳۹۷ تا پایان تیر ۱۳۹۹، ۳۹۰۰ شغل ایجاد شده و ۴ هزار شغل نیز حفظ شده است. هم چنین این حمایت ها موجب جلوگیری از خروج ۸۲۰ میلیون دلار ارز از کشور شده است. سهم شرکت های دانش بنیان از تولید ناخالص داخلی به حدود ۱ تا ۲ درصد رسیده است. پیشرفت واقعی اقتصاد ایران در گرو رشد و گسترش اقتصاد دانش بنیان و کاهش وابستگی آن به نفت و گاز است.

در زمینه ی تولید دارو، با رشد و پیشرفت شرکت های دانش بنیان، ۹۷ درصد داروهای مورد نیاز کشور در داخل تولید می شود که ۵۶۰ میلیون دلار برای کشور ارزآوری داشته است. «سینادکسوزوم» و «پاکلی نب»، دو داروی درمان سرطان توانستند حدود یک میلیون دلار برای کشور صرفه جویی ارزی داشته باشند. تنها در حوزه زیست فناوری، با توجه به فعالیت های صورت گرفته در ستاد توسعه زیست فناوری معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، تاکنون حدود یک میلیارد دلار از محل تولید داخل صرفه جویی ارزی شده است. این تلاش ها علاوه بر افزایش قابل توجه تولید داخلی و خودکفایی دارویی، توانسته است ۶۰ میلیون دلار صادرات سالانه نیز برای کشور به همراه داشته باشد که بخش قابل توجهی از این صادرات به کشورهای اروپایی بوده است.

نقش چشمگیر پیشرفت های علمی ایران در مهار کرونا

پس از شیوع بحران کرونا نیز، شرکت های دانش بنیان عملکرد بسیار قابل توجهی داشتند و بسیاری از نیازهای کشور را با تولیدات خود برطرف کردند. دولت نیز حمایت های

خوبی از این شرکت ها انجام داد. نزدیک به ۳ هزار میلیارد ریال تسهیلات به بیش از ۷۰ محصول مرتبط برای مبارزه با ویروس کرونا توسط صندوق نوآوری و شکوفایی پرداخت شده از بین طرح های تولید اقلام و محصولات مقابله با ویروس کرونا که مورد حمایت صندوق نوآوری و شکوفایی قرار گرفته اند، و طرح در حوزه تجهیزات و ملزومات پزشکی قرار دارد که شامل تولید ۱۰۰ دستگاه بیهوشی اتاق عمل، ۵۰۰ دستگاه ونتیلاتور، ۱۰۰۰ دستگاه اکسیژن ساز، ۱۰۰ هزار دست لباس بیمارستانی در ماه و تولید ماهانه ۳۰ میلیون جفت دستکش، ۱۵۰۰ دستگاه ضد عفونی کننده در ماه، ۵۰۰ هزار شیلد و سرپوشه، دستگاه تصفیه هوای پلاسمایی، تب سنج تشخیص کرونا، افشانه هوشمند ضد عفونی و تولید سوپرکربن فعال برای استفاده در ماسک های فیلتردار است. هم چنین ۴ طرح به کیت های تشخیصی و استخراج ژنوم اختصاص داشت که تسهیلات صندوق به این طرح ها، منجر به تولید ماهانه ۲۰۰ هزار کیت شد. تشخیص ویروس کرونا در بدن انسان دو مرحله دارد که یک مرحله، استخراج ژنوم یا ایزولیشن است. یک شرکت دانش بنیان توانست ابزار استخراج ژنوم ویروس کرونا طی ۱۵ دقیقه را بسازد که این محصول در حال حاضر به بازار عرضه می شود و در مسیر صادرات است. به ۱۳ شرکت نیز برای تولید ۱۰ میلیون انواع ماسک سه لایه، نانویی و N95 در ماه و به ۲۵ طرح تولید مواد ضد عفونی کننده برای تولید ۲/۲ میلیون لیتر در ماه تسهیلات اختصاص یافت. با این حمایت ها تولیدکنندگان مواد ضد عفونی توانستند سهم بالایی در کنترل شیوع ویروس کرونا در کشور داشته باشند.^۱

در شرایطی که کشورهای دنیا به دلیل کمبود شدید اقلام بهداشتی و بیمارستانی در حوزه مبارزه با کرونا حتی با پرداخت مبالغ گزاف هم نمی توانند به آنها دسترسی پیدا کنند، ایران توانسته است در شرایط تحریم همه اقلام پیشگیری و درمانی کرونا از جمله واکسن کرونا را در داخل کشور تولید کرده و آمادگی خود را نیز برای صادرات محصولات ایران ساخت به دیگر کشورها اعلام کند.

چالشی که پیش روی شرکت های دانش بنیان است و در موارد گوناگون حتی اعتراض آنها را نیز در پی داشته است، عدم توجه بخش دولتی به این شرکت ها در تأمین تجهیزات

^۱ https://www.inif.ir/fullcontent/-/asset_publisher/YASjeuXFqbaQ/content/id/۴۸۰۵۸۵

مورد نیازشان است. علی رغم اینکه این شرکت ها توان تولید تجهیزات و نیازمندی های بخش دولتی را دارند، اما گاهی این محصولات از خارج خریداری می شود. این مسئله نیز با اصلاح نگاه مسئولین بخش اجرایی کشور قابل حل بوده و موجب رونق هرچه بیشتر این شرکت ها خواهد شد.

حمایت همه جانبه نظام و رهبری از تولید داخلی

"واردات کالاهایی که در داخل به قدر کافی تولید می شود، بایستی به صورت یک حرام شرعی و قانونی شناخته بشود." (۱۳۹۶/۱/۱)

"ما باید علم را با همه معنای کامل آن به عنوان یک جهاد دنبال کنیم؛ این را من به جوان ها، استادان و دانشگاه ها می گویم. علاوه بر این، علم مجرد و به تنهایی هم کافی نیست؛ علم را باید وصل کنیم به فناوری؛ فناوری را باید وصل کنید به صنعت، و صنعت را باید وصل کنیم به توسعه کشور. صنعتی که مایه توسعه و پیشرفت کشور نباشد، برای ما مفید نیست؛ علمی که به فناوری تبدیل نشود، فایده ای ندارد و نافع نیست." (۱۳۸۵/۱/۱)

اهمیت این مسئله در نگاه ایشان تا جایی است که ایشان در حمایت از این حرکت علمی می فرمایند:

من به شما عرض کنم که بنده در دفاع از جامعه نخبگان و از حرکت علمی کشور، تا نفس دارم ذره ای کوتاه نخواهم آمد. (۱۳۹۵/۷/۲۵)

+ برخی موانع موجود بر سر راه پیشرفت علمی کشور

- اخراج و ممانعت از تحصیل دانشجویان ایرانی در کشورهای غربی

- تحریم دانشمندان و دانشگاه های ایرانی

- خرید استارتاپ های ایرانی توسط سرمایه داران چندملیتی

- جلوگیری از چاپ مقالات ایرانی در مجلات علمی غرب

- جلوگیری از انتقال فناوری و تجهیزات به ایران

- حذف فیزیکی دانشمندان و.....

(پایان توضیح زیرساختهای علمی؛ سایر زیرساختهای لازم برای شکوفایی اقتصاد:)

۲- زیرساخت «حمل و نقل»

از جمله ثروت‌های بی‌نظیری که در دو قرن اخیر در کشور ما مورد غفلت قرار گرفته، موقعیت جغرافیایی و توان ایفای نقش اثرگذار در عبور و ترانزیت کالای تجاری جهانی است؛ در صورت ایجاد بستر مناسب زیرساختی و مدیریتی برای شکل‌گیری جریان بار ترانزیتی، کسب درآمد سرشار ارزی را می‌توان برای کشور متصور بود. طبق بررسی‌های صورت گرفته در حال حاضر ۱۰۰ میلیون تن بار بین‌المللی قابل ترانزیت از خاک ایران وجود دارد که با احتساب ۷۵ دلار به ازای هر تن می‌توان درآمدی حدود ۷.۵ میلیارد دلار در سال (معادل حدود دو و نیم برابر یارانه نقدی و معیشتی کل ملت ایران در سال) برای کشور تامین کرد.

البته گرچه ظرفیت‌های فراوانی در این عرصه وجود دارد لکن جمهوری اسلامی در این رابطه بیکار نبوده و در حوزه زیرساخت‌های حمل و نقل - مثلاً - می‌توان به افزایش دو برابری خطوط راه آهن اشاره کرد. پس از انقلاب اسلامی و در دوره سازندگی، حرکتی جدی و شتابان در راستای جبران کمبود خطوط حمل و نقل مناسب آغاز شد. طبق گزارش‌های بین‌المللی در سال ۱۹۸۹ میلادی (ده سال پس از انقلاب) رشد خطوط ریلی در ایران آغاز می‌شود و زیرساخت‌های ریلی افزایش پیدا می‌کند؛ به طوری که طول خطوط ریلی کشور در سال‌های بعد به دو برابر می‌رسد.^۱ رتبه ایران در بین کشورهای جهان در زمینه خطوط ریلی نیز از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۱۸ میلادی ۹ پله ارتقا یافته است.^۲ علاوه بر خطوط ریلی، در زمینه خطوط حمل و نقل هوایی و زمینی نیز اقدامات گسترده‌ای انجام شد. البته خطوط جاده‌ای روستایی و معمولی کشور نیز بعد از انقلاب در جهاد سازندگی و در طی فعالیت‌های محرومیت زدایی، افزایش قابل توجهی داشته است. رشد آزادراه‌های کشور نیز که در حمل و نقل و ترابری کالاهای اساسی و صنعتی مردم بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد، بعد از جنگ تحمیلی اتفاق می‌افتد.

^۱ <https://data.worldbank.org/indicator/IS.RRS.TOTL.KM?end=۲۰۱۶&locations=IR&start=۱۹۸۰&view=chart>.

^۲ <https://knoema.com/atlas/topics/Transportation/Rail-transport/Rail-lines?baseRegion=IR>

۳- زیرساخت «ارتباطات»

زیرساخت ارتباطات نیز یکی دیگر از زیرساخت هایی ضروری برای توسعه صنعتی هر کشوری است که در کشور ما و در دوره سازندگی، دسترسی مردم و صنایع به وسایل ارتباطی از جمله تلفن و اینترنت افزایش قابل توجهی یافت.^۱ در ایران، تا پیش از جنگ تحمیلی، نسبتی افراد برخوردار از تلفن ثابت در مقایسه با میانگین جهانی پایین تر بود، اما پس از جنگ تحمیلی و در دوران سازندگی، زیرساخت هایی که در حوزه ارتباطات ایجاد شد دسترسی مردم به تلفن ثابت را گسترش داد و پس از آن نیز با گسترش زیرساخت ها، دسترسی به اینترنت و ابزارهای ارتباطی به شدت گسترش یافت.

طبق آخرین آمار وزیر ارتباطات کشورمان در ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۰ که روز جهانی ارتباطات بود، پوشش اینترنت پر سرعت و ارتباطات در شهرهای کشور به ۱۰۰ درصد و در روستاهای کشور به ۹۵ درصد رسیده و حدود ۹۸ درصد مردم ایران از اینترنت پر سرعت بهره مند هستند و بیش از ۸۰ میلیون مشترک پهن باند به این شبکه بزرگ ارتباطی متصلند.

جمع بندی

با تلاش های صورت گرفته در طی سال های اخیر شاهد افزایش چشمگیر صادرات غیرنفتی نسبت به دوره پهلوی و بومی سازی تعداد زیادی از فناوری های خارجی در حوزه های زیست فناوری، دارو، انرژی، قطعه سازی و... بوده ایم که می تواند رشد و ثروت بیشتری را برای کشور به ارمغان بیاورد. بلوغ شرکت های دانش بنیان و توان جذب ثروت ۱ تریلیون دلاری که توسط موسسات بین المللی برای ایران پیش بینی شده است، نوید ظرفیت و آینده روشنی در این مسیر است. با این وجود اما در حال حاضر هنوز میزان تولیدات داخلی به حد مطلوب نرسیده است. از طرفی به دلیل تحریم های خارجی، ذخایر ارزی نیز منبع کافی و قابل اطمینانی برای اقتصاد کشور نبوده است لذا شاهد کاهش مستمر ارزش پول کشور در برابر ارزهای خارجی هستیم؛ به طوری که در دولت جنگ، نرخ تبدیل دلار در ایران از ۲۰ تومان به ۱۰۰ تومان، در دولت سازندگی به ۴۵۰ تومان، در دولت اصلاحات به ۹۰۰ تومان، در دولت آقای احمدی نژاد به ۳۶۰۰ تومان و در دولت اعتدال به بدترین رقم خود در طول تاریخ

^۱ https://ourworldindata.org/grapher/mobile-and-fixed-landline-telephone-subscriptions?time_earliest..latest&country=-IRN.

انقلاب و به نزدیک «۳۰ هزار تومان» رسیده است. این روند نیز هرچند با اقدامات پولی و مالی بانک مرکزی در برخی مقاطع زمانی کنترل شده است، اما تا زمانی که نیاز کشور از طریق واردات و نه از مسیر تولید ملی برطرف شود، روند کاهش ارزش پول ملی همچنان ادامه خواهد یافت.

پرانتری مهم و قابل تفصیل که البته به اختصار بدان پرداخته می شود

توسعه ی عدالت محور امکانات عمومی همزمان با اصلاح اقتصاد

برخی بخاطر اختلال های بوجود آمده در بازار مایحتاج ضروری مانند مرغ و روغن و... که نتیجه ناکارآمدی دولت در زنجیره توزیع است، از برخورداری های عمومی حاصل از نگاه عدالت محور نظام اسلامی غافل می شوند و مسائل معیشتی و رفاهی را در مرغ و روغن خلاصه کرده و دچار سیاه نمایی و نهایتاً ناامیدی نسبت به آینده می شوند، در حالیکه در طول این ۴۳ سال که از انقلاب اسلامی گذشته است، جمهوری اسلامی در کنار اصلاح زیرساختهای اقتصادی از طریق رشد رستاخیز علمی که توضیح داده شد، در مسیر عدالت نیز گامهای بزرگ و ارزشمندی را طی نموده است و سعی کرده تا خود را به جایگاه مطلوب، نزدیک و نزدیک تر نماید. علاوه بر دستاوردهای علمی که گذشت، به اختصار به ۲ دستاورد و حرکت های عدالت محور نیز به عنوان نمونه اشاره می شود:

۱- دسترسی تقریباً ۱۰۰ درصدی به برق: طبق آمارهای بانک جهانی، از زمانی که صنعت برق وارد کشور ایران شد تا سال ۱۳۵۸، تنها ۱۶ درصد از روستاییان کشور (که اکثر جمعیت کشور را نیز تشکیل می دادند، به برق دسترسی داشته اند. اما پس از انقلاب و تا سال ۹۸، آمار دسترسی شهرنشینان در ایران به برق، ۱۰۰ می باشد و برای روستاییان نیز ۹۹/۷ درصد می باشد! یعنی آماری که طی ۶۰ سال، ۱۶ درصد رشد داشته بود، طی ۴۰ سال، رشد چشمگیر حدود ۸۴ درصدی دیده و به نزدیک ۱۰۰ رسیده است! گفتنی است میانگین دسترسی جهانی به برق برای شهرنشینان در سال ۲۰۱۸، ۹۶ درصد و برای روستاییان ۷۹ درصد می باشد.

۲- بیشترین رشد شاخص توسعه ی انسانی: شاخص توسعه انسانی شاخص توسعه انسانی (HDI) نشان دهنده سطح سلامت، تحصیلات و درآمد انسان ها در جوامع مختلف است که هر ساله، در گزارشی تحت عنوان «گزارش توسعه انسانی» (HDR) توسط دفتر برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) منتشر میشود. این شاخص، از ترکیب چهار کمیت عددی در سه حوزه بهداشت، آموزش و سطح مناسب زندگی به دست می آید. کمیت های

عددی مورد استفاده در محاسبه این شاخص عبارتند از: ۱. شاخص امید به زندگی برای ارزیابی سطح بهداشت و سلامت؛ ۲. شاخص های متوسط سال های تحصیل و سال های مورد انتظار برای ارزیابی سطح آموزش و تحصیلات؛ ۳. و شاخص سرانه درآمد ناخالص ملی برای محاسبه سطح درآمد و استانداردهای زندگی.

این گزارش، کشورها را براساس مقدار عددی شاخص توسعه انسانی به گروه های کشورهای با توسعه انسانی خیلی بالا (بیشتر از ۰/۸)، کشورهای با توسعه انسانی بالا (بین ۰/۷ و ۰/۸)، کشورهای با توسعه انسانی متوسط (بین ۰/۵۵ و ۰/۷) و کشورهای با توسعه انسانی پایین (کمتر از ۰/۵۵) تقسیم می کند.

در گزارش سال ۲۰۱۸، ایران با عدد ۰/۷۹۸ در رتبه نخست کشورهای با توسعه انسانی بالا قرار گرفته و با گروه کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا، فاصله بسیار ناچیزی دارد. هم چنین در این گزارش، کشور نروژ با عدد ۰/۹۵۳ بالاترین و کشور نیجر با عدد ۰/۳۵۴، پایین ترین میزان شاخص توسعه انسانی را دارا هستند.

اما برای فهم بهتر عملکرد جمهوری اسلامی ایران در ارتقای شاخص توسعه انسانی، بایستی تغییرات رتبه و میزان این شاخص را در طی چهار سال اخیر و از ابتدای پیروزی انقلاب بررسی کرد. میزان شاخص توسعه انسانی ایران در سال ۱۹۸۰، عدد ۰/۴۸۸ و رتبه آن حدود ۱۲۰ بوده و جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۸۰ میلادی (۱۳۵۸ ش) تا سال ۲۰۱۷ میلادی (۱۳۹۵ ش) موفق شده است میزان شاخص توسعه انسانی خود را به میزان ۰/۳۶۱ و رتبه ایران را ۶۰ پله ارتقا دهد. با بررسی میزان تغییرات شاخص توسعه انسانی همه کشورهای دنیا از سال ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۱۷، مشخص می شود که جمهوری اسلامی ایران توانسته است بیشترین میزان افزایش شاخص توسعه انسانی و رتبه ی اول رشد این شاخص را در جهان از آن خود کند. و...

حرکت در مسیری کوهستانی و سنگلاخ (توطئه ها)!

درست است که کسی ادعا نکرده و نمی کند که نظام به تمامی آرمان هایش رسیده است و مشکلات را به صورت کامل حل کرده است. اما خدمات و دستاوردهای نظام نیز در این چهار سال، بسیار زیاد و شگفت آور بوده است که در این نوشتار به دو نمونه ی بسیار مهم آن (علم و اقتصاد) پرداخته شد (تفصیل بیشتر: کتاب صعود چهل ساله)

توجه به این نکته ضروری است که جمهوری اسلامی در چه شرایطی به چنین دستاوردهایی رسیده است؟ به تعبیر دیگر، "ایستادگی در مقابل بحران ها"، خود یکی از مهم ترین

دستاوردهای نظام بوده است؛ بحران هایی که گاه فقط یکی از آن ها برای از بین بردن یک نظام و حکومت کافی بود. در این بخش، فقط به نمونه هایی، آن هم به صورت تیتروار اشاره می شود:

توطئه های تجزیه طلبانه علیه نظام جمهوری اسلامی

غائله خودمختاری کردستان، غائله ی خودمختاری ترکمن صحرا و گنبدکاووس، اقدامات تجزیه طلبانه و فتنه انگیزانه در خوزستان، غائله حزب جمهوری خلق، اقدامات گروهک جیش العدل (بخوانید: جیش الظلم!) در شرق کشور، اقدامات تروریستی پژاک، الاحوازیه، پان ترکی و...

برخی توطئه های چهل ساله علیه نظام جمهوری اسلامی

حمله طبس، دفاع مقدس، تحریم تسلیحاتی، جنگ شیمیایی، هجوم گروهک تروریستی منافقین، تلاش برای محاصره ی دریایی ایران، تجاوز مکرر پرونده های جاسوسی، تقویت تروریسم تکفیری در منطقه، ساماندهی جنگ هیبریدی علیه ایران و...

توطئه های فرهنگی چهل ساله

توطئه در شبکه های اجتماعی، راه اندازی شبکه های رادیویی و ماهواره ای معاند، توطئه ی حقوق بشری، تبلیغ و ترویج سبک زندگی اشرافی و غربی، تصویرسازی منفی علیه انقلاب و...

توطئه های تفرقه افکنانه ی مذهبی علیه نظام اسلامی

جریان های سلفی و وهابی، اختلاف بین شیعه و سنی و...

سایر

توطئه های چهل ساله ی اقتصادی، امنیتی، سیاسی، نفوذ، ایجاد فتنه و آشوب، ایدئولوژی زدایی از انقلاب اسلامی، اپوزیسیون سازی علیه نظام (تحصن مجلس ششم، کنفرانس برلین و طرح براندازی نظام و...)، اخلال در انتخابات، ناامن کردن منطقه و...

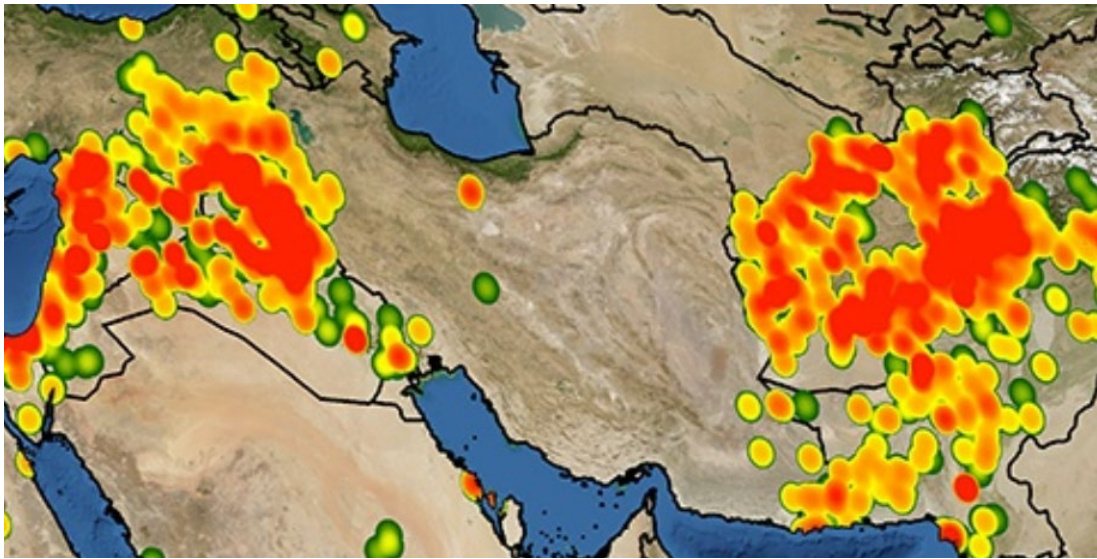
امنیت

حال که بحث از توطئه های علیه جمهوری اسلامی مختصرا بیان گردیدند، جا دارد که از دستاوردهای شگفت انگیز امنیتی نیز در طول انقلاب اسلامی ذکری به میان آوریم.

مقدمه: مخالفین نظام اسلامی سعی دارند مسئله امنیت را بعنوان مسئله ای پیش پا افتاده مطرح کند و آن را امری نه چندان بااهمیت و پیچیده در نظر گرفته و به مسخره بگیرند، درحالیکه امروز امنیت یک چالش جهانی است و حتی کشور های اروپایی و آمریکایی نیز بطور جدی دچار این چالش هستند.

بر اساس گزارش پایگاه جهانی تحلیل تروریسم:

ایران امن ترین کشور در نا امن ترین نقطه دنیا: نقاط قرمز علامتی برای نشان دادن عملیات های تروریستی سنگین است.



فصل دوم: راهکار برون رفت از وضع موجود؛ دو راهکار پیش رو

مقدمه و توضیح

حال که مشکلات اقتصادی کشور (ضعف در تولید داخلی و وابستگی کشور به ارز خارجی حاصل از فروش نفت خام برای تامین مایحتاج مردم از طریق واردات)، ریشه یابی گردید و مورد واکاوی و بررسی قرار گرفت (و البته به تلاش های جمهوری اسلامی نیز در جبران این ضعف و نقیصه اشاره گردید)، می توان به یک راه حل کاربردی و منطقی ای رسید و یک جمع بندی خوب و واضحی را در زمینه ی برون رفت از وضع موجودی ارائه داد.

برای حل این مشکلات اقتصادی، همواره دو راه حل و مسیر متفاوت برای نجات اقتصاد در کشور ما مطرح بوده است و دولت های مختلف بر اساس تفکر سیاسی شان، کمابیش روی یکی از این دو مسیر تمرکز کرده تا بلکه بتوانند گره از مشکلات اقتصادی باز کرده و چرخ اقتصاد را به حرکت درآورند. این دو راه عبارتند از:

۱- تقویت تولید ملی برای تأمین نیازمندی های داخلی و رفع تحریم ها از مسیر خنثی سازی آنها؛

۲- مذاکرات دیپلماتیک برای رفع تحریم ها و دست یابی به توان فروش نفت برای اداره بهتر کشور در قبال اعطای امتیازات و خواسته های طرف مقابل

مسئله هیچ دولتی در جمهوری اسلامی ضرورت تقویت تولید داخل برای تأمین نیازمندی های عمومی و هم چنین متنوع سازی درآمدهای صادراتی را انکار نکرده و نمی کند؛ کما اینکه در هیچ دولتی نیز روند مذاکرات سیاسی برای رفع تحریم ها متوقف نشده است.

اما همواره ناباوری برخی دولت ها نسبت به وجود ظرفیت ها در درون کشور، چه در حوزه سرمایه و چه دانش فنی برای تولید کالا و خدمات مورد نیاز مردم، باعث شده تا آن ها پیمودن مسیر تولید داخل را موکول به محقق شدن مسئله رفع تحریم ها کنند تا شاید با استفاده از سرمایه خارجی و واردات تکنولوژی توسط خارجی ها، تولید و صنعت در کشور رونق بگیرد. چنین تفکری دیگر درون زا نیست و کاملاً برای رفع امورات خود «نگاه به بیرون» دارد.

در واقع نزاع اصلی، بین گروه معتقد به تلاش توأمان برای ایجاد یک اقتصاد متکی به داخل و درون زا و در عین حال برونگرا؛ با گروهی است که طی شدن مسیر اول (یعنی تولید داخل) را مشروط و متأخر از مسیر دوم (یعنی برداشته شدن تحریم ها) می دانند.

در ادامه به بررسی نتایج هر یک از این دو تفکر براساس تجربه بین المللی می پردازیم:

۱- تفکر «نگاه به بیرون»

درانتظار رفع تحریم...

رییس جمهور، ۲۹ دی ۱۴۰۰: ... و همه باید شریک شویم و دولت نیز به سهم خود باید به عرصه بیاید. بنابراین باید سرمایه و تکنولوژی بیاید و بازار جدید برای تولید پیدا کنیم و راه دیگر غیر از این نمی شناسیم. اگر می خواهیم با دنیا رقابت کنیم با فناوری قدیمی امکان رقابت نیست. با این کیفیت و قیمت نمی توانیم رقابت کنیم. ما سرمایه ی خارجی می خواهیم تا همراهش فناوری جدید باشد و اگر بخشی از بازار داخلی را به او می دهیم، با کمک هم بازار خارجی را به ما بدهند.

محمود واعظی، رییس دفتر رییس جمهور: توسعه کشور منوط به ایجاد فضایی غیرمتشجج در روابط خارجی و بهره گیری هرچه بیشتر از امکانات جهانی، از جمله تکنولوژی پیشرفته و امکانات مالی بین المللی می باشد. (محمود واعظی، کنفرانس ملی چشم انداز بیست ساله و الزامات سیاست خارجی توسعه گرا، ص ۱۸)

... با توجه به نیاز کشور به امکانات سرمایه ای و تکنولوژیک بین المللی برای پیش برد توسعه، بهره گیری از امکانات جهانی امری ضروری است که این مهم در تعامل سازنده با جهان خارج امکان پذیر می باشد. (همان، ص ۳۲)

اکبر ترکان، مشاور ارشد رییس جمهور و دبیر سابق شورای هماهنگی مناطق آزاد تجاری ایران: بدون تعارف بگویم؛ آیا در فناوری الکترونیک و یا برق و با صنایع دیگر امکان رقابت را با محصولات کشورهای دیگر داریم؟ بگذارید با خود روراست باشیم. ما به جز پخت آبگوشت بزباش و قورمه سبزی، در هیچ تکنولوژی صنعتی نسبت به جهان برتری نداریم!!

رییس جمهور در گرامی داشت هفته محیط زیست: تحریم های ظالمانه باید از بین برود تا سرمایه بیاید، مسئله محیط زیست حل شود، تا اشتغال جوانان حل شود، تا صنعت جامعه حل شود، تا آب خوردن مردم حل شود، تا منابع آبی زیاد شود، تا بانک های ما احیا شود؟

اقای روحانی در جلسات متعددی بر این موضوع تأکید داشته و به صراحت نیز اعلام کرده اند که هیچ راهی برای مدیریت اقتصاد کشور در شرایط تحریم بلد نیستند (پایگاه اطلاع

رسانی ریاست جمهوری، ۲۶ دی ۱۳۹۸) و مسیر حل مشکلات کشور تنها و تنها از گذرگاه رفع تحریم ها قابل طی شدن است.

آنچه از تاریخ مذاکرات سیاسی جمهوری اسلامی برای برداشته شدن تحریم ها تاکنون به دست آمده، از این حکایت می کند که مسیر رفع تحریم ها اگر هم زمان با مسیر تقویت تولید داخل پیگیری نشود، نه تنها منتهی به برداشته شدن تحریم نمی شود، بلکه منجر به اعطای امتیازات پی در پی و کسب نتیجه «تقریبا هیچ» خواهد شد.

عاقبت لغو تحریم ها بدون تقویت تولید داخل

اساسا اگر کشور در مسیر تأمین نیازمندی های بازار داخلی نتواند از تولید ملی ارتزاق کند، آیا جزاین است که بعد از برداشته شدن تحریم ها و دسترسی دولت به درآمدهای نفتی، دوباره اقتصاد کشور با خام فروشی و واردات گسترده تخدیر شده و اقتصاد کشور نسبت به تحولات خارجی و نوسانات قیمت نفت شرطی گردد؟ تاریخ اقتصاد کشورمان، فروش نفت در شرایط غیرتحریمی را سالیان سال در دوره پهلوی (و حتی پس از آن) به خود دیده و متأسفانه شاهد آثار شوم آن نیز بوده است. بیماری هلندی ناشی از خام فروشی و تورم های سنگین اواخر دوره پهلوی تنها یکی از آثار آن است.

تمام سخن در نقد این نگاه

تمام سخن در نقد این دیدگاه، آن است که نه این است که اگر تولید بخواهد رونق بگیرد، باید مذاکره به نتیجه برسد؛ بلکه واقعیت آن است که اگر مذاکره بخواهد کارساز بیفتد، در گروی رونق تولید و تکیه به توان داخلی محقق می شود. و الا بدون پشتوانه ی تولید داخلی، یک برجام تمام و کمال هم نه تنها مشکل اقتصاد کشور را حل نکرده، که بر عمق معضل اقتصادی کشور نیز می افزاید (یعنی به افزایش مصرف گرایی و وابستگی ارزش پول ملی به دلار و نفت خام و شرطی شدن اقتصاد می انجامد).

تجربه ی تلخ وابستگی اقتصاد به نفت در شرایط غیرتحریمی و بیماری هلندی ناشی از آن در دوره ی پهلوی و نیز نسبت به حقایق اقتصادی امروز کشورهایمانند عربستان سعودی به وضوح قابل مشاهده است:

عربستان؛ اقتصادی نفتی، بدون تحریم و بدون تولید

با کاهش هزینه‌ی نفت، جهت حفظ ارزش ریال، دست به گرفتن وام‌های فراوان گرفته که او را به بدهکارترین کشور منطقه تبدیل کرده است و ضمناً در پی افزایش صادرات خود جهت تعدیل قیمت‌ها، پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۳۵، ثروت عظیم طبیعی خود را به دلیل خام‌فروشی از دست می‌دهد! به علاوه، ۷۵ درصد نیروی کار، خارجی هستند!

این مسئله منجر به بحران‌های شدیدی در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی برای سعودی‌ها شده است. از آسیب‌های غیراقتصادی خام‌فروشی که بگذریم، عمده مصائب حکومت سعودی در حفظ ثبات اقتصادی این کشور در نوسانات قیمت نفت است؛ به طوری که هر بار درآمدهای نفتی این کشور بر اثر افت قیمت نفت کاهش پیدا می‌کند، حکومت مجبور به اخذ وام از نهادهای بین‌المللی برای ثابت نگه داشتن نرخ دلار و ارزش ریال سعودی می‌شود. به طوری که تا سال ۲۰۱۶، میزان بدهی‌های خارجی عربستان به بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار رسید. در پی تشدید شیوع کرونا و بحران‌های مالی حاصل از آن، عربستان از ثروتمندترین کشور منطقه، اکنون به بزرگترین وام‌گیرنده در میان کشورهای عربی تبدیل شده است.

«فیچ»، مؤسسه بین‌المللی اقتصادی و اعتبارسنجی نیز اعلام کرد که کسری بودجه ۸۰ تا ۹۰ میلیارد دلاری برای عربستان محرز شده است، و این بدان معناست که این کشور فرصتی برای وام گرفتن دوباره برای تأمین بودجه مالی خود در ماه‌ها و حتی سال‌های آینده را نخواهد داشت.

اگر عربستان به درآمدهای نفتی خود متکی باشد، ثروت عظیم خود را قبل از سال ۲۰۳۵ از دست می‌دهد.

مشکل این نگاه

انتظار کشورهای در حال توسعه از سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای توسعه یافته در اقتصاد آنها، همواره با انتظارات متقابلی همراه بوده است. کشورهای توسعه یافته همواره تضمین‌هایی را برای حداکثری کردن سود شرکت‌های بزرگ بخش خصوصی خود در دیگر کشورها درخواست کرده‌اند؛ تضمین‌هایی از قبیل کاهش دخالت دولت در بازار و مقررات زدایی و نظارت زدایی از آن و همچنین حذف مقررات ورود و خروج سرمایه از کشور، که همگی آنها ذیل عنوان «برنامه‌های تعدیل ساختاری» که برگرفته از مکتب اقتصادی نئولیبرالیسم است، به کشورهای در حال توسعه تحمیل شده و ضربات جبران

ناپذیری بر اقتصاد کشورهای میزبان سرمایه خارجی وارد کرده است؛ که از نمونه های اخیر آن می توان به بحران برزگ اقتصادی کشورهای شرق آسیا در سال ۱۹۹۸ - ۱۹۹۷ اشاره کرد. خروج ناگهانی سرمایه های خارجی از این کشورها توسط کشورهای توسعه یافته، اغلب این کشورها را به مرز ورشکستگی کشاند.

مثالی دیگر؛ ترکیه

آزادسازی تجاری و مالی و جذب سرمایه خارجی برای تحصیل رشد اقتصادی، هرچند موجبات رشد معجزه آسا را برای ترکیه فراهم آورد، اما نه تنها موجب پیشرفت واقعی ترکیه نشد، بلکه اقتصاد آن را به شدت شکننده کرده، آن را وارد دوره جدیدی از بحران نمود؛ به گونه ای که سال ۲۰۱۸ ترکیه مجددا در وضعیت سال های منتهی به بحران ۲۰۰۱ قرار گرفت. ارزش لیر در سال ۲۰۲۰ نسبت به سال ۲۰۱۳ کمتر از یک پنجم شد؛ به گونه ای که یک دلار از ۵/۱ لیر به ۴/۷ لیر رسید؛ در صورتی که ارزش جهانی دلار در این دوره روند کاهشی را نشان می داد.

تکیه ی صرف به سرمایه گذاری خارجی برای توسعه، اقتصاد ضعیف ترکیه را گرفتاریک دور باطل کرد؛ چراکه سرمایه گذاری خارجی عمدتاً با هدف سودآوری برای سرمایه گذار صورت می گیرد. تجربه تاریخی نیز نشان می دهد این سرمایه ها نه تنها زیرساخت های کشور میزبان را تقویت نمی کند، بلکه با حذف تدریجی بنگاه های اقتصادی داخلی از رقابت، در درازمدت به تضعیف زیرساخت های اقتصادی کشور میزبان می انجامد.

مثالی دیگر؛ شیلی

امریکایی ها پس از سرنگونی حکومت سالوادور آلنده در کشور شیلی و به روی کار آوردن ژنرال آگوستو پینوشه در آن کشور، این مکتب اقتصادی (نئولیبرالیسم) را توسط شاگردان شیلیایی میلتن فریدمن و فردریک هایک، دو نظریه پرداز اصلی مکتب اقتصادی نئولیبرالیسم، به طور آزمایشی در این کشور اجرا کردند. نتایج عملی مکتب اقتصادی نئولیبرالیسم و آزادسازی بازار در کشور شیلی عبارت بوده است از: ابرتورم ۳۴۱ درصدی، بیکاری ۳۵ درصدی، فقر ۴۱ درصدی، کاهش ۱۴ درصدی میانگین دستمزدها و ۴۲ درصدی کف دستمزد پرداختی به کارگران، افزایش ۲۰ درصدی گرسنگی، کاهش ۱۲ درصدی سرانه تولید ناخالص داخلی و تشدید فاصله طبقاتی در کشور شیلی و تبدیل کردن این کشور به یکی از نابرابرترین جوامع دنیا. پس از فجایعی که در کشور شیلی در اثر اجرای مکتب اقتصادی نئولیبرالیسم پدید آمد، آندره گوندر فرانکه، یکی از شاگردان

شیلایی فریدمن، طی نامه های سرگشاده خطاب به وی نوشت که نظر فریدمن درباره کاهش دستمزد کارگران و آزادسازی قیمت های بازار، منجر به آن شده است که ۷۴ درصد از هزینه های خانوار، فقط صرف خرید نان بشود؛ در صورتی که در زمان آکنده، هزینه اتوبوس، نان و شیر تنها ۱۷ درصد از درآمد خانوار را به خود اختصاص می داد. در نهایت نیز آندره فرانک، به یکی از منتقدان اصلی نظریه لیبرالیسم جدید تبدیل گشت.

حال همان برنامه های شکست خورده ی اقتصادی آزمایش شده در کشور شیلی - که در حقیقت، تنها برای مردم این کشور شکست بود، ولی برای ثروتمندان آن کشور و همچنین کمپانی های چند ملیتی و کشورهای جهان غرب، سود هنگفتی داشت و پیروزی تلقی می شد - از طریق برنامه های اصلاح ساختاری پیشنهادی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در بسیاری از کشورهای دنیا در حال نهادینه شدن بود. بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به کشورهای در حال توسعه قول داده بودند برنامه های اصلاح ساختاری، منجر به رشد اقتصادی و کاهش فقر خواهد شد؛ اما در عمل دقیقا برعکس آن اتفاق افتاد!

نتیجه

متأسفانه تفکر «نگاه به بیرون» که در سالهای اخیر نیز در جمهوری اسلامی توسط برخی از مسئولین دنبال می شود و تشدید شده است، ریشه بسیاری از مشکلات امروز مردم ما، از جمله در بحث اقتصادی و عدالت اجتماعی است. این تفکر که حل تمام مشکلات را در نگاه به بیرون می داند و معتقد است با «رفع تحریم ها، فضا برای ورود سرمایه خارجی، هموار شده و در نتیجه، باید پیوستن به سازمان تجارت جهانی» را تسریع کرد و ناگزیر به قبول سیاست های اصلاحی تکلیف شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی» شد و تمام شروط آنها، از جمله «پیوستن به کنوانسیون ها و قراردادهای متعدد» را به سرعت قبول کرد، مسیرنابارکی بود که به مشکلات شدید اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... انجامید که باید با تجربه برخی از کشورها - که در بالا بیان شد - اشتباهات گذشته را جبران کرد و این مسیر معیوب را تغییر داد. این تجربه تلخ در این سال ها به ملت ما آموخت که تفکرات اقتصادی نئولیبرالیسم که عمدتا بر سه اصل «آزادسازی تجارت و سرمایه گذاری خارجی»، «خصوصی سازی سریع و عدم ورود دولت در بازار و اجرای بازار آزاد» است، نتایج اسف باری را به همراه دارد و این مسیر نه تنها مشکلات کشور را حل نکرده، بلکه مشکلات بسیاری را به همراه خواهد داشت.

۲- تفکر «نگاه به درون»

در مسیر رفع همیشگی تحریم

در این بخش و به عنوان مبحث آخر و در پاسخ به این سؤال که: «چه مسیری برای حل مشکلات مهم کشور در زمینه اقتصادی وجود دارد؟» و «به چه تفکری رأی بدهیم تا مشکلات اقتصادی رفع شود؟» قصد داریم به تجربه جهانی مراجعه کرده و الگوهای موفق استفاده شده توسط کشورهای که امروزه در رتبه های بالایی از نظر اقتصاد و دانش و فناوری قرار دارند را بررسی کنیم. آنچه در این بین حایز اهمیت است و در بخش گذشته به وضوح بیان شد، مسیر گذار به یک اقتصاد قوی، اجرای سیاست های تجویزی سرمداران و نهادهای مالی بین المللی نیست؛ چراکه بنابر نظر کارشناسان منصف و مستقل اقتصادی، کشورهای توسعه یافته در برنامه ریزی حساب شده، سیاست هایی را به دیگران تجویز می کنند که همیشه برتری خودشان نسبت به آن ها را حفظ کنند. به تعبیر دیگر، قصد ندارند به دیگران اجازه دهند از نردبانی که آن ها بالا رفته اند، استفاده کنند. لذا برخی اقتصاددانان دنیا اعتقاد دارند که برای پیشرفت باید مسیری غیر از راه توصیه شده را پیمود. سمیرامین، اقتصاددان مشهور مصری، معتقد است «پیشرفت برای یک کشور جهان سومی، نه از طریق تطبیق اقتصاد با مقتضیات تقسیم کار بین المللی، بلکه برعکس، به وسیله گسست این اقتصاد از آن منطق، دست یافتنی است».

«نگاه به درون» و یا همان «اقتصاد درون زا و تقویت تولید»، مسیری است که بارها در طی سالیان گذشته توسط رهبر معظم انقلاب بر آن تأکید و توصیه شده است. رهبر معظم انقلاب طی پیام نوروزی خود در ابتدای سال ۱۳۹۸ که به نام «رونق تولید» نام گذاری کردند، فرمودند:

تولید اگر راه بیفتد، می تواند مشکلات معیشتی را حل کند، استغناى کشور از بیگانگان و دشمنان را تأمین کند، مشکل اشتغال را برطرف کند، و حتی مشکل ارزش پول ملی را تا حدود زیادی برطرف کند.

تجربه کره جنوبی

کشوری ضعیف تحت حمایت آمریکا کره جنوبی که از سال های ۱۹۱۰ تا ۱۹۴۵ میلادی کشوری تحت استعمار ژاپن بود، در سال های ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۸ نیز تحت اشغال نظامی آمریکا قرار گرفت. طی سال های ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۱ میلادی حکومتی بومی به

رهبری «سینگمان ری» در این کشور شکل گرفت. این حکومت که حدود سیزده سال تحت حمایت تمام عیار امریکا بود، نتوانست تحولی چشمگیر در اقتصاد کشور ایجاد کند. درآمد سرانه مردم کره جنوبی در سال ۱۹۶۲ فقط ۸۷ دلار ثبت شده است که در آن زمان از کشورهای هائیتی، اتیوپی و یمن پایین تر بود. ۴۰ درصد مردم نیز از فقر مطلق رنج می بردند.

بومی سازی اقتصاد و رشد چشمگیر کره

پس از سقوط سینگمان ری، ژنرال پارک با شعار «اقتصاد خودکفا، دفاع خوداکتفاء» در سال ۱۹۶۱ میلادی به حکومت رسید و توانست در دوره حکومت خود با تدوین و اجرای یک استراتژی بومی اقتصاد کره را متحول ساخته، کشورش را در ردیف کشورهای پیشرفته قرار دهد. تولید ناخالص کره جنوبی از ۳/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۶۰ با ۱۷۰۰ درصد افزایش به ۶۶/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۹ رسید؛ نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص ملی از ۱۴ درصد در سال ۱۹۶۲ به ۳۷/۴ درصد در ۱۹۷۹ رسید؛ امید به زندگی از ۵۵ سال در ۱۹۶۰ میلادی به ۶۵/۵ سال در ۱۹۷۹ میلادی ارتقا یافت؛ میزان صادرات از ۳/۸ درصد تولید ناخالص ملی در ۱۹۶۲ به ۲۳/۶ درصد در ۱۹۷۹ رسید؛ تولیدات صنعتی از ۱۳/۶ درصد تولید ناخالص داخلی در دهه ۱۹۶۰ به ۳۰/۶ درصد در ۱۹۸۰ رسید؛ در این سال ۲۱/۶ درصد نیروی کار در کره جنوبی در حوزه صنعت فعال بودند که در مقایسه با سهم ۱/۵ درصدی صنعت از نیروی کار این کشور در سال ۱۹۶۰ رشد ۱۴۴۰ درصدی را نشان می دهد. وقتی پارک در سال ۱۹۶۲ اولین برنامه پنج ساله توسعه خود را اعلام کرد، امریکایی ها آن را خام و غیرممکن توصیف کردند. پارک برای بازه زمانی ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۴ نرخ رشد متوسط ۷/۱ درصدی را پیش بینی کرد. برخلاف تردیدهای مستشاران آمریکایی که برنامه پارک را واقعی نمی دانستند، در این بازه زمانی میانگین نرخ رشد از هدف تعیین شده فراتر رفت و به ۸/۹ درصد رسید. تولید صنعتی کره به طور میانگین سالانه ۱۵ درصد رشد کرد و میانگین سالانه رشد صادرات به ۲۹ درصد رسید.

تحریم های بی اثر

البته واکنش آمریکایی ها به برنامه های ژنرال پارک، صرفا ابراز تردید درباره موفقیت این برنامه ها نبود.

در نهایت امریکایی ها تهدیدات خود را عملی ساختند و از اواسط دهه ۱۹۶۰ کمک های مستقیم خود به دولت کره جنوبی را، که ۷۰ درصد کمک نظامی و مرتبط با حضور نظامیان امریکایی در کره و ۳۰ درصد مابقی مربوط به غذا و لوازم مصرفی اولیه بود، قطع کردند.

اگر بخواهیم ریشه های صنعتی شدن کره جنوبی را بررسی کنیم باید بگوییم رابطه ی تنگاتنگی میان صنعتی شدن این کشور و بخش نظامی آن وجود دارد؛ به گونه ای که سایر صنایع، یا مصرف کننده ی زیرساخت هایی بوده اند که برای صنایع دفاعی ایجاد شد یا از فناوری هایی بهره برداری کرده اند که در صنایع نظامی به دست آمده بود. این مسئله در تاریخ اقتصاد سیاسی کره جنوبی به قدری پررنگ است که برخی، صنعتی شدن این کشور را با عبارت «مدرنیته نظامی» توصیف کرده اند. اما کمتر گفته می شود که این مدرنیته نظامی، واکنشی علیه محرومیت های نظامی و تحریم های تسلیحاتی امریکا علیه کره بوده است. «پیتر بانسیوک کوون»، مورخ کره ای می نویسد:

شوک دوقلوی خروج نیروهای نظامی امریکا از کره و اعمال محدودیت بر خرید تسلیحات از طرف واشنگتن، کره جنوبی را دچار بحرانی کرد که بازسازی اصولی نظام دفاعی آن را ضروری ساخت. در سرتاسر دهه ۱۹۷۰ ژنرال پارک به صورت راهبردی هم «خوداتکایی نظامی» را دنبال می کرد و هم «خودکفایی اقتصادی» را.

صیانت از بازار داخلی

سرمایه گذاری مستقیم خارجی در تولید کالاهای مصرفی برای بازار داخلی کاملاً منع شد. از طرف دیگر، دسترسی سرمایه گذاران خارجی به بازار داخلی به شدت محدود شد و برای کالاهایی که توان داخلی برای تولید آنها وجود داشت، صرفاً اجازه سرمایه گذاری مستقیم خارجی به منظور بازاریابی بین المللی برای تولیدات داخلی داده شد.

پایان رشد کره و عقب گرد آن با ترور امریکایی!

دو سال از تدوین برنامه چهارم توسعه - که در آن، نگاه به خاورمیانه و اروپا به جای وابستگی به امریکا و ژاپن تصویب شده بود- نمی گذشت که ژنرال پارک توسط «جانگ گیوکیوم»، رئیس سازمان اطلاعات کره جنوبی ترور شد. او در اعترافاتش پس از دستگیری اظهار کرد که با حمایت امریکا دست به این اقدام زده است.

به این ترتیب، راه ورود سرمایه خارجی به کشور باز شد و نظارت بر فعالیت سرمایه گذاران خارجی بسیار کاهش یافت. همین مسئله باعث شد که در سال ۱۹۹۶ سرمایه گذاران خارجی یک صد میلیارد دلار به اقتصاد کره جنوبی تزریق و اقتصاد این کشور را وابسته به سرمایه خارجی کنند. اما درست یک سال بعد، صرفاً تحت تأثیر یک شایعه پیرامون عدم توانایی کشور تایلند در تأمین دلار کافی برای حفظ ارزش پول خود، سرمایه های خارجی از این کشور به سرعت بیرون کشیده شد و به این ترتیب، در سال ۱۹۹۷ سرمایه گذاری خارجی در کره جنوبی به منفی ۲۰ میلیارد دلار رسید؛ یعنی یک افت ۱۲۰ میلیارد دلاری نسبت به سال گذشته آن. (چون تایلند به همراه کره جنوبی، سنگاپور و هنگ کنگ به عنوان ببرهای اقتصادی آسیا و فرصت های مناسب سرمایه گذاری خارجی معرفی شده بودند، با افت ارزش پول تایلند، اعتماد به سرمایه گذاری در دیگر ببرهای آسیا نیز سلب شد و سرمایه گذاران خارجی یکی پس از دیگری اقدام به بیرون آوردن سرمایه خود از این کشورها کردند.)

این مسئله باعث شد تا کره جنوبی در بازپرداخت تسهیلات خارجی ناتوان گردد و به ورطه ورشکستگی کشیده شود. سقوط ارزش پول کره هم چنان ادامه داشت. این بحران به موج خودکشی ها انجامید؛ بدین دلیل که خانواده ها شاهد نابودی دارایی هایی بودند که در طول زندگی خود پس انداز کرده بودند. ده ها هزار کسب و کار کوچک تعطیل شد. میزان خودکشی در کره جنوبی در سال ۱۹۹۸ میلادی ۵۰ درصد افزایش یافت. خودکشی در میان سالخوردهگان بالای شصت سال بیش از همه بود. پدر و مادرهای سالخورده تر تلاش می کردند که بار اقتصادی فرزندان جان به لب رسیده خود را سبک کنند!

مقام معظم رهبری با توصیف اوضاع این کشورها در این برهه و در خلال بیان خاطره ای از یک دیدار می فرمایند: ماهاتیر محمد، نخست وزیر سابق مالزی - که بسیار هم آدم پرکار و دقیق و جدی و پایبندی بود - به تهران آمد، به دیدن من هم آمد؛ همان اوقات بود که تحولات گوناگونی در آسیای شرقی اتفاق افتاده بود. در مالزی، اندونزی و تایلند، و زلزله اقتصادی به وجود آمده بود. همین سرمایه دار صهیونیستی و بعد سرمایه دارهای دیگر، با بازی های عمو پولی توانستند چندتا کشور را به ورشکستگی بکشانند. در آن وقت ماهاتیر محمد به من گفت: من فقط همین به شما بگویم که ما یک شبه گدا شدیم! البته وقتی کشوری وابستگی اقتصادی پیدا کرد و خواست نسخه های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را عمل بکند. همین طور هم خواهد شد. (بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸)

تمام سخن در مورد این دیدگاه

تمام حرف در مورد این دیدگاه آن است که به ثمرنشستن مسیر مذاکره و مفید واقع شدن آن به حال اقتصاد کشور (اگر به نتیجه برسد)، در سایه ی تکیه به توان داخلی محقق می شود. مسئله ی اصلی کنونی در اقتصاد کشور، مذاکره یا عدم مذاکره نیست. بلکه مسئله ی اصلی در بهبود اقتصاد کشور، تکیه به توان داخلی و مسئله ی اقتصادی درون زا می باشد. در چنین اقتصادی است که اگر تحریم ها از طریق مذاکرات رفع شد، دستاورد های آن به کمک تولید آمده و باعث رونق بیشتر اقتصاد به معنای واقعی کلمه می شود و در برابر نوسانات سرمایه گذاری های خارجی و بازاری جهانی، خود را حفظ و بیمه می کند. و اگر هم مسیر مذاکرات، جهت رفع تحریم ها افاقه نکرد و نتیجه نداد، یک چنین اقتصاد خودکفا و درون زایی است که می تواند تحریم ها را ابتدا بی اثر و سپس رفع کند. چراکه باقی ماندن تحریم، با وجود اقتصادی درون زا در کشور، نتیجه ای جز محروم شدن کشورهای تحریم کننده از سرمایه گذاری در یک بازار پایدار را به دنبال نخواهد داشت!

(توجه شود که رفع تحریم، نقطه ی مقابل خنثی سازی تحریم ها نیست! بلکه خنثی سازی تحریم ها با تکیه بر توان تولید داخل، تنها راه اثربخش برای رفع تحریم ها می باشد. رفع تحریم، از دو مسیر می تواند بگذرد: مذاکره، تکیه به توان داخلی. آن راهی که رفع تحریم در آن قطعی است، تکیه به توان داخلی است. مسئله ی مذاکره، با فرض ثمربخشی اش و رفع تحریم های خارجی (که تاکنون نیز در طول انقلاب اینگونه نشده است!)، با توجه به شرائط و زیاده خواهی های طرف های مقابل، منجر به خود تحریمی و شدت وابستگی می شود (همان طور که نمونه های تاریخی و بین المللی اش گذشت). حتی ثمربخشی تعامل با دنیا نیز و استفاده ی آن در اقتصاد کشور، منوط به ثبات اقتصادی داخلی می باشد که از مسیر اقتصاد درون زا و تکیه به توان داخل می گذرد.)

خلاصه آن که دوگانه ی مذاکره، آری یا خیر، یک دوگانه ی توهمی و درجه دو بوده و در هر صورت، بدون تکیه به توان داخلی کشور مشکلی حل نخواهد شد.

ظرفیت های کشور برای رفع تحریم ها از راه بی ثمر ساختن آنها و حل ریشه ای مشکلات

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم می فرمایند: نکته مهمی که باید آینده سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی میکنند که از نظر ظرفیت های طبیعی و

انسانی، کم نظیر است و بسیاری از این ظرفیت ها با غفلت دست اندرکاران، تا کنون، بی استفاده یا کم استفاده مانده است. سمت های بلند و انگیزه های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور، به معنی واقعی، جهش ایجاد کنند.

۱. نیروی انسانی مستعد و کارآمد

مهم ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. طبق هرم جمعیتی کشور ایران در سال ۲۰۱۷، بیش از ۳۷ میلیون نفر از جمعیت کشور در سنین میانه ی ۱۵ و ۴۰ سالگی قرار داشتند که تقریباً نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند.

براساس گزارش جهانی سرمایه انسانی انجمن جهانی اقتصاد (WEF)، کشور ایران در به کارگیری ظرفیت های نیروی انسانی بین ۲۵ تا ۵۴ سال در رتبه ی آخر دنیا قرار دارد!

۲- پیشرفت های علمی، صنعتی و تکنولوژیکی کشور

در فصل اول، پیشرفت های گسترده ی علمی، به عنوان مهمترین زیرساخت توسعه ی اقتصاد و صنعت کشور تبیین شد، بیان آمار های مربوط به پیشرفت فناوری و زیرساخت های صنعتی کشور که امکان بهبود و ارتقاء را بدون نیاز به رفع تحریم دارند (کما اینکه در خیلی از بخش ها این اتفاق افتاده و به خودکفایی در برخی صنایع مهم و صرفه جویی ارزی و... منجر شده است) انجام شد. گزارش های بین المللی نیز تاییدی بر این مدعا می باشند. از جمله در گزارش آنکتاد (UNCTAD)، درباره سیاست های علم فناوری و نوآوری ایران (۲۰۱۶) آمده است:

بخش صنعت هم از نظر دامنه و هم تنوع، در دهه های اخیر رشد کرده است که سبب شده ایران به متنوع ترین اقتصاد با کمترین وابستگی به منابع نفت و گاز در مقایسه با سایر کشورهای نفت خیز منطقه تبدیل شود. در طول دو دهه گذشته، ایران خود را به توسعه ی یک نظام ملی نوآور پویا متعهد ساخته و پیوسته در حال گذار به یک اقتصاد مبتنی بر نوآوری و دانش بوده است. دوران تحریم های بین المللی، عزم ایران را برای دستیابی به این هدف تقویت کرد. در نتیجه ی این تعهد، ایران اکنون سرمایه انسانی چشم گیری دارد. پایه نیروی انسانی این کشور شامل تعداد زیادی از ایرانیان تحصیل کرده، آموزش دیده و با پشتکاری است که در حوزه های علم، کارآفرینی و کسب و کار هم در داخل و هم در خارج از کشور فعالیت می کنند.

۳. موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ویژه

کشور ایران از لحاظ جغرافیایی در نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار دارد. مطابق محاسبات، با افزایش حجم بار و تکمیل نقشه ریلی ترانزیتی کشور و اتصال ریلی چابهار به سرخس و خرمشهر به بصره و چند مسیر نسبتاً کوتاه دیگر، کشور امکان کسب درآمدی ۲۶ میلیارد دلاری را داراست. این درآمد که بیشتر از نصف درآمد نفتی سالانه ایران است، امکان ایجاد رونق تولید و اشتغال آفرینی برای بیش از ۱/۵ میلیون نفر را دارد و نقش ویژه ای در عمران و آبادانی مناطق عبوری راه آهن از این مسیر دارد.

۴. دسترسی به بازارهای گسترده و متنوع

کشور پهناور ایران از لحاظ جغرافیایی در همسایگی پانزده کشور با جمعیتی بیش از ۶۰۰ میلیون نفر قرار دارد. حجم تجارت همسایگان ایران تا انتهای سال ۲۰۱۷، بیش از ۲۰۰۶ میلیارد دلار در سال بوده است که سهم ایران تنها ۳۶ میلیارد دلار، یعنی حدود ۱.۷ درصد از کل تجارت منطقه بوده است. حجم تجارت فعلی کشور که به دو بخش «نفتی» و «غیرنفتی» تقسیم میشود، چیزی در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار است. چنانچه ایران با فعال کردن دیپلماسی اقتصادی منطقه ای و استفاده از پیمان های پولی دوجانبه و بانکداری غیرمستقیم، بتواند سهم خود از تجارت منطقه ای را تنها ۵ درصد افزایش دهد، قادر خواهد بود تجارتي ۱۰۰ میلیارد دلاری با کشورهای همسایه خود شکل دهد که مطابق محاسبات کارشناسی در بدبینانه ترین حالت، همین امر زمینه ایجاد ۴ میلیون شغل در کشور را ایجاد می کند. از طرفی، شکل دهی بازاری به این وسعت، خود تقاضایی مؤثر برای شکل گیری و رونق تولید داخلی است. سفر اخیر آقای رئیس جمهور به کشور عراق و افزایش سطح مبادلات به سطح ۲۰ میلیارد دلار، خود گویای امکان پذیری این برنامه است.

۵. دسترسی به منابع طبیعی استفاده نشده

کشور ایران با قرار گرفتن روی یکی از کمربندهای اصلی کوه زایی جهان، دارای ۱۰۴ میلیارد تن ذخیره احتمالی انواع مواد معدنی است که ۷ درصد معادن جهان را تشکیل می دهد. تنوع این معادن بیش از ۶۴ نوع ماده معدنی است که شامل ۶ درصد منابع مس و ۳/۵ درصد منابع سرب و روی، ۱۰/۵ درصد منابع زغال سنگ و ۲ درصد منابع سنگ آهن است. مطابق محاسبات، ارزش معادن ایران ۷۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است که

در صورت سرمایه‌گذاری و توجه به عواملی چون: «توسعه زیرساخت‌ها»، «فرآوری مواد خام»، «وردو بخش خصوصی» و «اجازه صادرات» این عدد افزایش می‌یابد.

۶. بهره‌مند از منابع سرشار انرژی

یکی از نهاده‌های اصلی برای شکل‌گیری تولید، انرژی است که بسیاری از کشورهای پیشرفته مانند کره جنوبی، ژاپن و کشورهای اروپایی تا حد قابل توجهی نیازمند و وابسته به منابع انرژی سایر کشورها هستند. کشورمان ایران در منطقه‌ای واقع شده که بیش از ۴۸ درصد از نفت و گاز دنیا در آن قرار دارد. از طرفی، ایران، بالاترین حجم ذخایر مجموعی نفت و گاز دنیا را داراست. از دیگر سو، بهره‌مندی کشور از منابع طبیعی، معادن، زمین‌های حاصلخیز، نیروی انسانی توانمند، تحصیل کرده، متخصص و متعهد، زمینه را برای جهش کشور در حوزه‌های متعدد فراهم می‌آورد.

شرط تحقق این امر، اعمال مدیریتی جهادی، خستگی‌ناپذیر و عالمانه است که بتواند ظرفیت‌های حوزه‌های گوناگون را با نگاه به داخل مانند تسیحی دور هم جمع نموده و اقتصاد کشور را به اقتصادی بالنده و آسیب‌ناپذیر تبدیل کند. مطالب فوق تنها بخشی از ظرفیت‌های کشور جهت رونق بخشی به تولید و رفع مشکلات معیشتی مردم است که توجه و فعال کردن آنها می‌تواند پیشران اقتصاد کشور در شرایط فعلی باشد.



ستاد گفتمانی دولت جوان انقلابی

